

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه عصر (جله نهم)

ختم مفهومی استادانوت ۹۵/۷/۲۴

برای اینکه هر کس به هر قصد و نیتی که در این جلسه حاضر شده به بالاتر از این قصدها برسد، صلوات برای این که جامعه‌ای از تزلزل و اضطراب خارج شود سوره عصر کار گشاست. علل استحکام نداشتن و ایمان را در جلسات پیش گفته شد، موضوع توأسی و صبر را نیز بررسی شد.

**معنای صبر:** طاقت داشتن همراه با استطاعت یا طوع.

اسم این دو را ظرفیت و جودی گذاشتیم.

پس صبر ۳ مولفه دارد؛ «ظرفیت و جودی»، «اتصال به حق» و همینطور «جریان عمل تا نتیجه یا استمرار».

امروز می‌خواهیم مفهوم صبر را بفهمیم تا هر کس ببیند صابر هست یا خیر.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُتَحَنُّنًا اِمْتَحَنَكَ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ اَنْ يَخْلُقَكَ فَوَجَدَكَ لِمَا اِمْتَحَنَكَ بِهِ صَابِرًا. معلوم می‌شود که برای تشخیص صابر بودن باید «امتحان» داد.

حُسن ۳ مولفه صبر این است که امکان مطالعه به انسان می‌دهد، در اینصورت حتی اگر خود واژه صبر در متن نباشد شما مفهوم آن را می‌توانید استخراج کنید.

**مفهوم صبر:** ظرفیت و جودی در برابر کار یا امری در نظر گرفته می‌شود و میزان پایداری آن جامعه در اجرای حکم الهی.

با این مفهوم هر جای قرآن را باز کنید و از ظرفیت انسان صحبت شود و پایداری در کاری مطرح شد موضوع همان موضوع صبر است.

به نوعی فلسفه و مقصد نزول وحی توسط انبیا(علیه السلام)، تامین صبر برای انسان و جامعه است. صبر حیثیت‌های متفاوتی دارد. گاهی برای نوع انسان است و گاهی برای شخص خاص.

از طریق انسان کاملی مانند حضرت زهرا(سلام الله علیها) ظرفیت نوع انسان در تحقق وعده‌های الهی مشخص می‌شود.

پس صبر مفهومی ۳ مولفه‌ای است که ظرفیت وجودی انسان را به نسبت حق در انجام امری تا رسیدن به نتیجه مشخص می‌کند.

حکم خدا متناسب با طاقت انسان است. پس اگر امری را از کسی خواست حتما طاقت داده است. بچه ۹ ساله می‌تواند روزه بگیرد و نماز بخواند. حجاب در طاقت زن هست. نوعا انسان‌ها احساس درونی‌شان را بیان نمی‌کنند. هر کس به اندازه صدقش صادق است و به اندازه‌ای که صدق ندارد صادق نیست. خیلی از کارها در طاقت ما هست ولی به روی خودمان نمی‌آوریم.

کسی که پدرش را از دست می‌دهد مسلما حزن دارد. موضوع صبر در حزن نداشتن نیست. انسان باید حزن داشته باشد ولی باید تکالیف دینی‌اش را انجام دهد.

اگر کسی در زمان بلوغ راجع به اصول دینش تحقیق نکرد اگر به ۳۰ سالگی رسید و دچار مصیبت شد جزع و فزع می‌کند. نمی‌توان گفت که این مصیبت از توان فرد خارج است. اگر کسی مسیر رشدش را صحیح طی کند می‌تواند صبر کند. حال که خودش رشد نکرده صبر هم ندارد نمی‌تواند تحمل کند.

خیلی کارهای نکرده داریم و زاد و توشه ما حتی کفاف دنیایمان را نمی‌دهد. حکم خدا متغیر نیست. شریعت کف دین و احکام را بیان می‌کند. حکم الهی در درجه اول احکام شریعت است. علاوه بر این ۳ نوع حکم دیگر هم داریم. احکام فطری، عقلی، شرعی و وحیی.

• فطری: بدیهیات و انسانیات است و عمومیت دارد.

• عقلی: ضروریات و تخصص‌ها

• شرعی: در حوزه شریعت است و توسط مراجع به ما می‌رسد.

• وحیی: در حوزه قرآن است و توسط نبی به ما می‌رسد.

تواصی به حق مقدم بر صبر است. عدول از حکم الان موجب بی‌صبری و بی‌طاقتی در حکم فردا می‌شود. هر انسانی در طول زندگی مسئول بی‌صبری و بی‌طاقتی‌های خودش است.

کسانی که کنکور می‌خوانند می‌فهمند که اگر به مدت یک روز درس نخوانند یک تست نمی‌زنند. نتیجه‌اش این می‌شود که از یک شهر به شهر دیگر جایگاهشان تغییر می‌کند، به همین راحتی و آسانی سرنوشت انسان تغییر می‌کند البته به دست خودش.

انسان موجودی است که می‌تواند چهار نوع حکم بالا را برای خودش شکوفا کند. هر چهار مدل را می‌تواند فهم کند.

هر مصیبتی از خود انسان نشأت می‌گیرد. اگر ابتلا تبدیل به مصیبت شد به خاطر خود انسان است. ابتلا یا نعمت است و یا از دست دادن چیزی است. مصیبت؛ از دست دادن نعمت است وقتی فرد آن را ناهمراستای زندگی‌اش می‌بیند. ابتلا بخودی خود موجب شکوفایی فرد است و همراستای با فرد است. مگر اینکه انسان خودش اشتباه کند. مصیبت یعنی این که انسان دینش را از دست بدهد. برخی افراد مصائب را نمی‌بینند، دینش را از دست می‌دهد و متوجه آن نیست. مصیبت در قرآن هم مثبت آمده و هم منفی. اصابه‌ها دو نوع هستند؛ یا حسنه‌اند و یا سیئه.

رویکرد انسان به اتفاقات مهم است. اصحاب عاشورا اتفاقات عاشورا را مصیبت نمی‌دانند، بلکه ابتلا می‌دانند. در قرآن مصیبت‌هایی که آمده بیشتر مقول قول است. وقتی انسان چیزی را مصیبت می‌بیند بخاطر نگاه ناقص به آن موضوع است.

مصیبت زمانی است که از منطقه‌ای که انسان حسابش را نمی‌کند چیزی ظاهر شود. مثل تیری که از غیب می‌آید. اما همین چیزی که انسان می‌پندارد از غیب آمده است در کتاب نوشته شده است. آیه‌ای که در سوره حدید است همه این موارد را بیان می‌کند.

اخلاص یعنی عمل برای رسیدن به خدا خالص باشد و قصد تقربش خالص باشد شائبه‌ای نداشته باشد. صبر فقط در مصیبت‌ها نیست.

برای این که مفهوم صبر در نظر تان گسترش پیدا کند، موضوعات پیوسته به موضوع صبر را مطرح می‌کنیم.

- **برنامه ریزی:** اگر کسی در حوزه برنامه‌ریزی کار کند یک موضوع اصلی در این رابطه صبر است. چون در برنامه‌ریزی ظرفیت فرد خیلی مهم است و باید اجرایی و عملیاتی شود.
- **عمل صالح:** روح عمل صالح صبر است. نوع شروع عمل مشخص می‌کند که این عمل تمام می‌شود یا نه. نسبت صبر با عمل تعیین‌کننده این موضوع است که عملی به نتیجه می‌رسد یا نه. علم به قوانین صبر، به فرد علم شخصیت‌شناسی عمل می‌دهد. قوانین صبر به قوانین عمل تفوق و برتری دارد.
- **حُسن:** صبر زینت و آراستگی به عمل است. ما برای معنای واژه حسن، کلمات خوبی، نیکی، زیبایی و شایستگی به کار می‌بریم. خوبی به ذات اطلاق شده و نیکی به خاصیت اطلاق می‌شود. حُسن آن خوبی‌ای است که شایسته است و نیک و زیباست.
- **یقین:** بحث بعدی ما در سوره تکاثر یقین است. بخاطر همین اینجا زیاد به آن نمی‌پردازیم. منشأ و روح صبر، یقین است. در روایات بحث صبر و یقین در یک باب مطرح شده است. صبر بدون یقین حاصل نمی‌شود. یقین به معنی علم جزمی نیست. صبر به معنی تحمل نیست. نگاه ما به بحث صبر باید عوض شود. در صبر باید شرح صدر باشد و ضیغ صدر منافی با صبر است. شرح صدر یعنی قدرت عمل و وسعت وجودی فرد زیاد باشد. هم صبر، وسعت وجودی ایجاد می‌کند و هم وسعت وجودی، صبر را زیاد می‌کند.
- **بلوغ:** پایه هر بلوغی صبر در آن موضوع است. بلوغ عقلی، لبی، عاطفی، عبودیتی و غیره. صبر عامل بلوغ و نشانه بلوغ است. اگر صبر بلوغ‌های مختلف در قالب پرسشنامه‌هایی در بیاید به نتایج جالبی می‌رسیم.
- **استحکام درونی:** قدرتی که فرد را در مسیر حق محکم می‌کند و انسان را نشکن می‌کند. این انسان با طعنه، شمشیر و هیچ چیز دیگری نمی‌شکند. این انسان می‌شود نماد صبر و هرگز از حق عدول نمی‌کند. استحکام درونی همان کرامت است. بلوغ به معنای استطاعت است و استطاعت یکی از مولفه‌های اصلی صبر است. در تمامی موارد بالا صبر یکی از اصول تعریفشان است.

قصه داریم صبر را عینی و ملموس بشناسیم. اگر نتوانیم با مفهوم صبر ارتباط پیدا کنیم دچار خسران دنیا و آخرت می شویم. نمی شود از موضوع صبر به سادگی گذشت چون باید وارد زندگی شود. صبر باید مثل شکر شیرین باشد. صبر تلخ نیست. باید توأسی به صبر هم داشته باشیم.

باید بدانم برای توأسی به صبر باید توأسی به ظرفیت شناسی و ظرفیت سازی، توأسی به اتصال به حق، توأسی عمل تا نتیجه است. این ها در لباس برنامه ریزی قابل اجراست. اگر کسی برنامه ریزی قرآنی به افراد یاد داد در واقع توأسی به صبر کرده است.

\*\*\*

## ساعت دوم

در حوزه صبر روایات زیادی داریم، اگر کسی بخواهد به طور خاص مطالعه کند کتاب بحار الانوار جلد ۶۷، اصول کافی جلد ۲، تصنیف غرر الحکم را مطالعه کند.

از ویژگی‌های کتاب «تصنیف غرر الحکم» این بوده که کلمات قصار امیرالمومنین (علیه السلام) را به صورت موضوعی چیده است و کار را آسان نموده است. موضوعات شاخص مانند صبر در آن وجود دارد. بعضی وقت‌ها آنقدر روایات متعدد است افراد گیج می‌شوند و کار را کنار می‌گذارند و بعضی وقت‌ها چون روایات کم است آن را کنار می‌گذارند. خب طبیعتاً ذهنیت مولفین در چنین روایات اثر گذاشته است. غرر الحکم جملات قصار بین خطبه‌ها بوده است. از یک جهت وقتی قصار می‌شود، «پس زمینه‌ها» حذف و تحلیل آن سخت می‌شود.

من در یک دسته‌بندی ذهنی برای اینکه بتوانم روایات را بخوانم اول موضوع صبر را بسط می‌دهم، دنبال یک سری روایات می‌گردم که راجع به موقعیت‌های سخت است، یا روایاتی که برای استقامت در کار است.

بعد می‌توان یک دسته‌بندی جدیدی ارائه داد، مثلاً روایاتی که در حوزه طاعت است، روایاتی که در حوزه حق است. روایاتی در حوزه رسیدن تا عمل است؛ این دو دسته می‌شود. برخی کارها مهلت تمام شدنش مرگ انسان است و برخی کارها مهلت دارد. تا اینجا ۵ دسته بررسی شد. برای همین در انبوه روایات فکر ما شکل دارد و گیج نمی‌شود.

۱) ظرفیت وجودی، طاقت، نشکستن طاقت، استطاعت.

۲) توافقی حق هم در این قسمت جای می‌گیرد. عامل نشکستن ماست. ولایت، توسل یا ذکر باشد.

۳) عمل تا رسیدن به نتیجه. (اینکه یک کاری را نباید انجام دهیم، یا اینکه زمان دارد یا ندارد، یا زمانش تا مرگ آدمی است.)

شما می‌دانید که دنبال چه بگردید، دنبال راهکاری می‌گردید که کم نیاوردید. راه‌های کم نیاوردن انسان در دنیا «صبر» است. وقتی شما مفهومی کار می‌کنید لازم نیست که کلمه صبر در آن باشد ولی ما شروع کارمان را با صبر انجام می‌دهیم. تا بعداً روایاتی که در موارد مفهومی دیگر آمده است.

## الفصل السابع فى الصبر و الحلم و الاستقامة

فضيلة الصبر و حقيقته

٦٢١٤ الصَّبْرُ رَأْسُ الْإِيْمَانِ (١ / ٦٧)

٦٢١٥ رَأْسُ الْإِيْمَانِ الصَّبْرُ (٤ / ٥٠)

٦٢١٦ الصَّبْرُ ثَمْرَةُ الْيَقِيْنِ (١ / ١١٣)

گفته شد که صبر و يقين با هم ارتباط دارد، حال در روايات اين را مى بينيم، پس يافته ما از قرآن صحيح است.

٦٢١٧ الصَّبْرُ ثَمْرَةُ الْإِيْمَانِ (١ / ١٧٨)

٦٢١٨ الصَّبْرُ عَوْنٌ عَلَى كُلِّ أَمْرٍ (١ / ١٩٦)

٦٢١٩ الصَّبْرُ أَفْضَلُ الْعُدَدِ (١ / ١٩٧)

عدد يعنى عدّه و عُده.

صبر در روايات اگر براى غير حق بيايد امرى است كنايه‌اى.

تا اينجا اين روايات در قسمت فاتحه مى آيد.

٦٢٢٠ الصَّبْرُ أَقْوَى [أَوْقَى] لِبَاسٍ (١ / ٢٠٦)

لباس حالت ستر و زينت دارد. اين روايت در قسمت حسن مى رود.

برخى روايات کمک به معناى صبر مى کند و برخى روايات که در فصول شما مى آيد کارکردهاى صبر را بيان مى کند. يعنى هر قدر انسان تقوايش در جاىگاهى که هست، بيشتر باشد صبرش بيشتر است. لباس تقوا بهترين لباس است. پس صبر با لباس تقوا مرتبط است.

۶۲۲۱ الصَّبْرُ مَطِيئَةٌ لَا تَكْبُورُ (۱ / ۲۳۵)

کسی که صبر کند در امن و امنیت است. مرکب رام است.

۶۲۲۲ الْكِرَمُ حُسْنُ الْإِصْطِبَارِ (۱ / ۲۷۷)

کرامت با صبر این جا مطرح می شود. استحکام درونی را بیان می کند. استحکام درونی انسان چگونه ایجاد می شود؟ با حسن اصطبار یعنی فرد خود را در موقعیتی قرار می دهد و در آن مردانه می ایستد.

صبر جمیل با این روایت متفاوت است، صبر جمیل یعنی صبری که در آن پاداشی است که اسوه و الگو شده است، رویکردش نگاه دیگران به اوست. مثلاً دیدی فلانی چه کار کرد؟!

۶۲۲۳ الْمُصِيبَةُ بِالصَّبْرِ أَكْثَرُ الْمُصَابِ [الْمَصَائِبِ] (۱ / ۳۰۷)

یعنی بزرگترین مصیبت نداشتن صبر است. بدترین مصیبت در دنیا نداشتن صبر است.

در ۷ سال اول رشد برای آموزش صبر، عمل کودک و نتیجه را در نظر بگیریم و بعد زمان رسیدن عمل به نتیجه را برایش امتداد می دهیم. ولی صبر باید در حد طاقتش باشد. پس فاصله عمل و نتیجه را یواش یواش زیاد می کنیم. باید این فاصله برای کودک خوشمزه باید باشد.

طوع به معنای رغبت در صبر حتما باید وجود داشته باشد. «کراهت» و «با ناخوشی به صبر واداشتن» اصلاً خوب نیست. همه زندگی ما تا دوره دبیرستان زورکی است و براساس تحمیل کار به آدم هاست. این حسن اصطبار است.

**سوال:** بچه ای که بستنی می خواهد، می گوئیم که مشق هایت را بنویس، این فاصله درست است؟

نه باید این فاصله با ذوق باشد. باید استقبال کند. باید نتایج برای بچه ها با شکوه باشد. باید گفت مثلاً اگر بستنی می خواهی باید برویم بیرون و تا مغازه پیاده برویم.

صبر شیرین است. صبر، خرما است. دنیا را هر کاری که کنید خوشمزه است!!! هر کاری کنید برای آدم پرمفعت است. دنیا را هر کاری کنید زهر است و بد است. پرنعمتش کنی زهر است. (می گوئید: هر روز چلو کباب! آه آه)



مومن را در سیاهچال که بیندازی یک قبله پیدا می‌کند، و شروع می‌کند با خدا ارتباط برقرار کردن. دنیا برایش خیر است. علتش این است که مومن دارای عطیه‌ای است به نام رحمت الهی. او همیشه مجاور رحمت است. تلاطم‌ها در او اثر ندارد. مبدا خوشی خداست و مومن با خداست. با خدا باش و پادشاهی کن! بی خدا باش، هر چه خواهی کن. اگر مصیبتی بر او وارد شد، اشکالی ندارد. حزن می‌گیرد ولی ارادتش نباید به خدا کمتر شود.

عامل اتصال دائمی به خدا صبر است و این شیرین است. اتصال به حق باید از نوع علم باشد، اسمش ربط است. وقتی دلش به جایی محکم شود می‌تواند ثابت باشد. ما باید دنبال منشأ صبر باشیم که ربط است. وقتی آیه ۲۰۰ سوره آل عمران می‌گوید؛ ربط باشید یعنی شفع هم باشید برای خدا. یعنی توأسی به صبر است.

علت اینکه صبر برای ما ناگوار است، برای این است که تعریف مواجهه‌های ما مهم است. ما می‌گوییم صبر مواجهه با ناخوشی‌هاست. ولی ما اینجا صبر را با اتصال به حق می‌گوییم. الصبر عون علی کل امر یعنی اتصال دائمی است.

۶۲۲۷ الصَّبْرُ مَلَاكٌ (۱ / ۲۴)

ملاک عربی و فارسی متفاوت است. ملاک به معنای بنیاد است. یعنی صبر انسان را بنیاد می‌کند. ملک‌دار می‌کند. دارا می‌کند. یعنی صبر به انسان ملک می‌دهد. ملاک به معنای معیار نیست بلکه به معنای دارایی است. صبر نوعی دعاست.

ملاک آن است که می‌گوییم این آدم چند می‌ارزد. یعنی همان معیار خودمان است ولی می‌گوییم که این چقدر می‌ارزد، ظرفیت وجودی است.

۶۲۲۶ أَوَّلُ الْعِبَادَةِ أَنْتَظَرُ الْفَرَجَ بِالصَّبْرِ (۱ / ۳۲۹)

اول به معنای پایه است. مواظب باشید روایات را فارسی ترجمه نکنید. زیرساخت عبادت انتظار فرج است. یعنی کار انجام می‌دهید و منتظر نتیجه‌اید. انتظار فرج یعنی پاداشی که در انتهای عمل است. عبادت برای تقرب و فرج است. پس انتظار فرج اولین عبادت است که فقط با صبر امکان دارد. یعنی از عبادت تا نتیجه (فرج) فاصله را باید رعایت کنی و آنقدر ادامه دهی که نتیجه دهد. این خیلی مهم است.

۶۲۲۸ الصَّبْرُ أَوْلُ لُؤَاذِمِ الْإِيقَانِ [الْإِيقَانِ] (۲ / ۶)

بعدا راجع به یقین و ایقان صحبت خواهیم کرد.

۶۲۳۰ الصَّبْرُ أَفْضَلُ سَجِيَّةٍ وَ الْعِلْمُ أَشْرَفُ حِلْيَةٍ وَ عَطِيَّةٌ (۲ / ۶۸)

مقایسه صبر و علم؛ صبر باید روی سجایا برود. سجایا اخلاق پسندیده و شایسته‌ای که نمود دارد.

حلیه و عطیه دادنی است، علمی که داده می‌شود آن صبوری را که افضل السجیه است نشان می‌دهد. درونمایه صبر علم است.

صبر عبارت است از علمی که به واسطه ظرفیت وجودی شخص در درون او ریخته شده، علم آراستگی یافته است. علم عطا شده خدا، علم حضوری و شهودی است، مثل نور است. ما باید کاری کنیم که اگر کسی مشکل صبر دارد مشککش از طریق از علم به حقایق حل شود. علم را حلیه نامیده است، یعنی علمی که نمود زیبایی داشته باشد. علم حلیه است.

وقتی علم می‌آید، با آن همه چیز را آراسته می‌بیند.

۶۲۳۱ الصَّبْرُ أَنْ يَحْتَمِلَ الرَّجُلُ مَا يُنُوبُهُ وَ يَكْظِمُ مَا يُغْضِبُهُ (۲ / ۶۹)

صبر این است که آن‌چه که بر او وارد می‌شود را تحمل می‌کند و آن‌چه که او را به غضب می‌آورد را کظم می‌کند. صبر، فرد (انسان) را نسبت به مصیبتش طاقت‌دار می‌کند و او را به کظم غیظ و این صبر است.

امور شما هر قدر گسترده‌تر شود صبر هم انواع می‌گیرد. صبر انواع پیدا می‌کند. حدود ۱۰ نوع صبر موقعیتی و غیره را می‌توان داشت.

۶۲۳۲ الصَّبْرُ أَحْسَنُ حَلَلٍ [حُلُلٍ] الْإِيمَانِ وَ أَشْرَفُ خَلَائِقِ الْإِنْسَانِ (۲ / ۷۳)

اشرف خلائق الانسان؛ این عبارت یعنی صبر را روی احکام فطری انسان می‌برد یعنی هر وقت که حکم شما حکم فطری است، آن صفت فطری شده و می‌شود انسان.

- صبر عند حکم الفطری
- صبر عند حکم عقلی
- صبر عند حکم شرعی
- صبر عند حکم وحیی

نشان می‌دهد که ما اوامری فطری داریم که صفتهای انسانی به بار می‌آورد و کاری با شریعت و وحی ندارد.

در حال حاضر شما دارید با سطح بالایی از روایات آشنا می‌شوید. هر روایتی درون خودش عمقی دارد که فعلا ما تنها در سطح آن هستیم. هر چه که دسته‌بندی شما نسبت به صبر بیشتر باشد، روایت‌های بیشتری را می‌توانید پیدا کنید.

صبر احسن خلل است یعنی حالت پیوند بین صفات انسانی دارد. شرافت یعنی وزن می‌دهد. اشرف خلایق یعنی بهترین صفات. نجیب دیدن و شریف دیدن است.

صبر یعنی ایستادن، راه افتادن یک بچه و راحت راه برود. آیا این تلخ است؟! صبر یعنی استقامت داشته باشد. صبر یعنی شما می‌خواهید کار انجام دهید، پس تمامش کنید. چرا ۲۰ تا کار با هم قبول می‌کنید؟ صبر یعنی کار را انجام دهید تا نتیجه‌اش را ببینید. آیا این تلخ است؟!

این بی‌صبری است که زندگی را تلخ می‌کند و همه تلخی‌ها از بی‌صبری است. اگر صبر را اینطور معنا نکنید این روایات هیچ کدام خواندنی نمی‌شوند.

۶۲۳۳ الزموا الصبر فإنه دعامةُ الايمان و ملائكةُ الامور (۲/۲۵۷)

صبر استوانه ایمان و ملائک امور است، نگویید معیار امور بلکه شما را دارا می‌کند. ثروتمندان می‌کنند. اینها مواردی است که به تدریج وارد دین ما شده است و صورت دین ما را کریه کرده است. الان هر بنده خدایی که می‌خواهد دین دار شود و قرار است صبر کند به گونه‌ای می‌فهمد که باید زجر بکشد. هر کسی که برنامه‌ریزی یاد می‌دهد مربی صبر است. علوم اجتماعی پایه اش روی القای صبر است او مربی صبر در جامعه می‌شود.

۶۲۳۶ إِنَّ أَحْمَدَ الْأُمُورِ عَاقِبَةُ الصَّبْرِ (۲/۴۸۸).

صبر ذائقه تغییر دهنده است. انسان محمود می شود و احمدترینش زمانی است که میل به صبر پیدا می کند.

میزان صبر تک تک ما را از چه می فهمند؟

یک پرسشنامه راجع به صبر برای خودتان درست کنید، صفات متوسط، ضعیف و خوبتان را بنویسید. تا حدی که ضعیف حذف و متوسط خوب و خوب بهتر و مستمر تر شود.

مستمر	کمی	هیچ گاه	
			صبر << صفات خوب متوسط ضعیف
			عبادات
			رفتارها / اعمال
			حالات

مهم این است که یک شاخص می گیرید و به سمت بالا حرکت می کنید. مهم این است که در این راه بیفتید. اگر هر ماه آن را چک کنید صبر می آورد. منحنی رشد صبرش جواب می دهد. یکی از مشکلات نظام آموزشی سر این است که مهد کودک را درست می کنید دبستان درست می کنید، دبیرستان را درست می کنید دانشگاه خراب می شود.

صبر یعنی پیوسته تحت تعلیم باشد تا به نتیجه برسد. عبادات و رفتارها و حالات را جدا می کنیم. افعال، مقاصد و انگیزه ها و نیات است.

خیلی خوب است اگر برای جلسه بعد ۲ الی ۳ پرسشنامه، ازین ها آماده شود.

هر قدر صبر و ابستگی فرد را از محیط بگیرد، این صبر بهتر است. دنیا محلّ تغییر است و جای برنامه‌ریزی نیست. علم انسان باید انسان را از محیط جدا کند. صبرهای مشروط شروعش خوب است ولی ادامه‌اش خوب نیست.

برای من جالب است که بعضی‌ها وقت‌هایشان را سر کارهای مختلف بیهوده صرف می‌کنند. این خودش بی‌صبری است. بی‌صبری این مدل آدمها این است که هدف تعریف نکرده‌اند. این‌ها دیگر شاهکارند. یعنی برای فرد خالی‌العمل بودن مثل این است که صورت مساله صبر را پاک کند.

برخی از صفات، کاملاً واضح است که خوب‌اند. ممدوح‌اند، برخی نسبتاً ممدوح‌اند تا چه برسد به اینکه اصلاً ممدوح نیست.

روایات جلد ۲ اصول کافی را هم نگاه کنید مبحث خوبی است.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات